

زنان فراتر از نقش‌های سنتی: بررسی جایگاه زن در کلام امام خمینی (ره)

نرگس نیک‌خواه قمصری*، سهیلا صادقی فسائی**

چکیده: این مقاله بر آن است تا نشان دهد که جنسیت به عنوان یک برساخته گفتمانی چگونه از دو دهه پیش از انقلاب اسلامی و دوران استقرار نظام جمهوری اسلامی در سرمایه کلامی امام خمینی (ره) به گونه‌ای متفاوت از ظرفیت نظام زبانی، مناسبات قدرت، مقاومت مندرج در گفتمان‌های سنتی و مدرنیزاسیون دوران پیش از انقلاب درون بستری از رخدادهای سیاسی و اجتماعی ساخته شده و مرزهای مألوف و تعیین‌کننده هویت‌های زنانه/ مردانه را تثبیت یا متحول نموده است. به این منظور، معنای مدلول زنانه/ مردانه در گفتار ایشان را به عنوان مهمترین الیت سیاسی و سمبلیک در گفتمان نواندیشی دینی و انقلابی، در پیوند با دال‌های کانونی گفتارهای رقیب حاضر در متن منازعه سیاسی شامل گفتار رسمی حکومت پهلوی و روحانیت سنتی و با استفاده از روش و نظریه تحلیل تاریخی- گفتمانی روٹ وداک مورد مطالعه و بررسی قرار داده و دریافته‌ایم که زن در آینه کلام امام خمینی (ره) در پیوند با مقولاتی چون ارزش‌های اسلامی، انسانیت، آزادی، برابری، شجاعت، حق و حتی تکلیف مشارکت در تعیین سرنوشت خود و... بر خلاف دو نظام معنایی سنتی و مدرن، به عنوان سوژه‌ای فعال، آگاه، انتخابگر و مسئول ساخته شده است و نه در مقابل بلکه در کنار مرد و نه در عرصه‌ای خاص که در همه شئون زندگی فردی، اجتماعی و سیاسی عهده‌دار وظیفه ساخت و حفاظت از نظم سیاسی مبتنی بر اسلام و ارزش‌های الهی آن معرفی می‌شود.

واژه‌های کلیدی: زنان، گفتمان، سنت، مدرنیته، انقلاب اسلامی، امام خمینی (ره)، نقش‌های اجتماعی، مشارکت سیاسی.

مقدمه و طرح مسئله

انقلاب اسلامی بی‌تردید سهم عظیمی در سامان هویت ملی و مذهبی جامعه ایران داشته و از این رو شناخت همه ابعاد و سطوح مختلف آن از اهمیتی ویژه برخوردار است. به رغم پژوهش‌های گسترده داخلی و خارجی درباره آن، چگونگی مشارکت زنان در مبارزات انقلاب اسلامی و دولت پس از آن کمتر مورد تأمل تاریخی گفتمانی قرار گرفته است.

در واقع مشارکت اجتماعی و سیاسی گسترده و یکپارچه زنان آن هم با شکلی متفاوت از الگوهای مرسوم سنتی یا مدرن در عرصه مبارزات انقلابی و استمرار آن در دوره پس از انقلاب در مقایسه با شرایط تاریخی زیست اجتماعی زنان در ایران تحولی بنیادین را حکایت می‌کند و تلاش برای ارائه پاسخی شایسته به پرسش اصلی این نوشتار درباره چگونگی وقوع این تحول در حیات سیاسی و اجتماعی زنان ایران، توجه ما را فراتر از نظم معنایی حاکم در گفتمان‌های سنتی و مدرنیزاسیون - که هر یک به صورتی متفاوت در بازتولید فرهنگ مردسالار مسلط بر زندگی زن ایرانی مؤثر بوده و لذا نمی‌توانستند در فرایند چنین تحولاتی سهمی مؤثر ایفا کنند- به نظام معنایی مسلط بر مبارزات انقلابی و دوران پس از انقلاب و در کانون آن گفتار امام خمینی (ره) به عنوان برجسته‌ترین الیت سیاسی و مذهبی زمانه خود و مهمترین تدوین‌کننده این گفتمان معطوف می‌سازد و چنین فرض می‌شود که این سوژگی جدید زنانه در پرتو ظرفیت کلامی امام خمینی (ره) در سال‌های پایانی حکومت پهلوی تأسیس و در دوران رهبری ایشان در نظام جمهوری اسلامی تثبیت شده است. بر این اساس، پس از طرح چهارچوب مفهومی و روشی و ارائه تصویری از افق تاریخی، مهمترین محورهای معنایی و سوژه‌ساز در کلام امام خمینی (ره) درباره زنان را در بخش‌های آتی مقاله به بحث خواهیم گذاشت.

چهارچوب مفهومی

تحلیل گفتمان به عنوان یک گرایش مطالعاتی میان رشته‌ای از دهه ۱۹۶۰ به طور روز افزونی توجه خود را به ساخت و کارکرد اجتماعی زبان به عنوان پدیده‌ای تاریخی و فرهنگی معطوف نمود و مدعای فلسفی زبان‌شناسی ساختارگرا و پساساختارگرا مبتنی بر ساخت و تغییر واقعیت از طریق زبان را به عنوان نقطه عزیمت خود قرار داد، به دلیل بنیان‌های نظری متنوع (یورگنسون و فیلیپس^۱، ۲۰۰۲: ۴) استفاده

^۱ . Jorgenson and Philips, L

زنان فراتر از نقش‌های سنتی: بررسی جایگاه زن در کلام امام خمینی (ره) ۷

عمومیت‌یافته مفهوم گفتمان در رشته‌های مختلف و کاربرد آن در سطوح متفاوت نظریه‌پردازی و روش‌شناختی، (وداک، ۲۰۰۸، ۲) با طیفی از رهیافت‌های گوناگون تحلیل گفتمان مواجه هستیم که به رغم اشتراک در مفروضات نظری و هستی‌شناختی، هر یک از استراتژی‌ها و رویه‌های متفاوت در پژوهش بهره می‌گیرند و بدیهی است انتخاب هر رویکرد به طور خاص یا ترکیبی از این رویه‌ها، در تحلیل چگونگی تحول مورد نظر در هویت زن به تعریف پذیرفته شده از گفتمان و رهیافت نظری اخذ شده بستگی خواهد داشت.

روث وداک^۲ به‌عنوان یکی از صاحب‌نظران تحلیل انتقادی گفتمان، در رویکرد تاریخی-گفتمانی خود، با تأکید بر ضرورت تئوریزه کردن، توصیف ساختارها و فرآیندهای اجتماعی خالق متن و سوژه‌های اجتماعی-تاریخی استدلال می‌کند که همه اطلاعات پس‌زمینه‌ای (تاریخی) برای تحلیل و تفسیر لایه‌های گوناگون متن گفتاری یا نوشتاری می‌بایست به طور نظام‌مندی به هم گره زده شوند (وداک، ب ۲۰۰۱، ۶۷)، در این رویکرد، تمامی بافت‌های تاریخی گفتمان در فرآیند تولید و تفسیر متن مورد توجه قرار می‌گیرد. وی همچنین بر این عقیده است که قدرت از زبان ناشی نمی‌شود بلکه زبان می‌تواند در اعمال قدرت یا به چالش کشیدن آن، مقاومت در برابر آن یا مغلوب کردن نهایی آن به‌کار رود (وداک، الف ۲۰۰۱: ۱۲). به بیان دیگر، وداک، مفهوم قدرت، تاریخ و ایدئولوژی را به عنوان مفاهیم کلیدی در تحلیل انتقادی گفتمان معرفی می‌کند. وی با در نظر گرفتن زبان به عنوان شکلی از کردار اجتماعی (وداک، ب ۲۰۰۱: ۶۵ و ۶۶) وجود رابطه‌ای دیالکتیکی میان کردارهای گفتمانی - زبانی و حوزه‌های خاص عمل را (از جمله موقعیت، چارچوب‌های نهادی و ساختارهای اجتماعی) که کردارهای گفتمانی درون آن‌ها جای می‌گیرند مفروض می‌گیرد. به‌عبارت دیگر وداک، گفتمان‌ها را هم به مثابه کردارهای اجتماعی-گفتمانی و هم غیرگفتمانی و به‌عنوان پی‌ساخته‌های آن‌ها در نظر می‌گیرد.

وداک گفتمان را امتزاج پیچیده‌ای از کنش‌های گفتمانی می‌داند که به‌طور هم‌زمان و پی‌درپی با هم مرتبط بوده و خود را درون و میان حوزه‌های اجتماعی کنش، ژانرها، نشانه‌ها و متون گفتاری یا نوشتاری نشان می‌دهند (وداک، ب ۲۰۰۱: ۶۵). به عقیده وی، این روابط در واکنش‌های سیاسی که در ارتباط مستقیم یا غیرمستقیم با قدرت و ایدئولوژی شکل می‌گیرند، نمایان می‌شوند.

به طور کلی مهمترین مفروضات نظری تحلیل تاریخی - گفتمانی وداک را می‌توان به شرح زیر

برشمرد:

² Ruth Wodak

۱- زبان پدیده‌ای اجتماعی و دارای کارکردی سیاسی است؛ ۲- نه تنها افراد، بلکه گروه‌ها و نهادهای اجتماعی نیز معانی و ارزش‌های مخصوصی دارند که در زبان مورد تأکید قرار می‌گیرد؛ ۳- متن‌ها، قطعه‌های زبانی یک ارتباط هستند که در پیوندی تنگاتنگ با سایر اطلاعات پس‌زمینه‌ای تولید، تثبیت و یا متحول می‌شوند؛ ۴- خواننده / شنونده در رابطه با متن، مصرف‌کننده منفعل نبوده و همواره در بازتولید یا به چالش کشیدن روابط قدرتمند در آن کنش سیاسی فعالی را نشان می‌دهند؛ ۵- کاربردهای متعدد زبان در سطوح و متون مختلف همواره حول محور خاص در راستای حفظ یا تغییر وضعیت تاریخی مشخصی عمل می‌کند.

روش شناسی

مبتنی بر چهارچوب نظری برگرفته در این پژوهش به نظر می‌رسد از میان رویکردهای مختلف روش تحلیل گفتمان، رویکرد روش شناختی روٹ وداک از کارایی بیشتری برخوردار باشد. وی برای عملیاتی کردن رویکرد تاریخی- گفتمانی خود، به پنج نوع استراتژی گفتمانی اشاره می‌کند که هر یک در بازنمایی منفی «دیگری» و مثبت «خود» در قالب منازعات گفتمان‌های رقیب به کار گرفته می‌شود (میر، ۲۰۰۱، ۲۷؛ وداک، ۲۰۰۱: ۷۳) در واقع این استراتژی‌ها به طرح‌های عامدانه کردارهای گفتمانی اشاره دارد که با هدف سیاسی، اجتماعی، روان‌شناسی و زبان‌شناسی خاص اتخاذ می‌شوند و هر یک در سطوح متفاوت پیچیدگی و سازمان زبان‌شناختی جای دارند. این استراتژی‌ها عبارتند از:

۱- استراتژی‌های ارجاعی یا انتسابی^۳: این استراتژی برابر طرح‌های زبان‌شناختی چون مقوله‌بندی عضویت، استعاره و مجاز، بیوگرافی در مطالعه موضوعاتی چون ساخت‌های درون گروهی یا برون گروهی به کار می‌رود.

۲- استراتژی گزاره‌ای^۴: ویژگی‌های مثبت یا منفی رفتارها را کلیشه یا تخمین می‌زند و خصوصیات کم و بیش مثبت یا منفی کنش‌گران اجتماعی را نام‌گذاری می‌کند.

۳- استراتژی استدلالی^۵: این استراتژی در استدلال‌هایی منعکس می‌شود که برای توجیه تحسین‌آمیز یا تحقیرآمیز، طرد یا دربرگیرندگی سیاسی افراد به‌واسطه ویژگی‌های مثبت یا منفی آن‌ها به کار گرفته می‌شود.

³. Referential Strategies or Strategies of Nomination

⁴. Strategies of Predication

⁵. Strategies of Argumentation

زنان فراتر از نقش‌های سنتی: بررسی جایگاه زن در کلام امام خمینی (ره) ۹

۴- استراتژی منظرسازی^۶: این استراتژی به قالب‌دهی یا معرفی گفتمان با استفاده از گزارش، توصیف، روایت یا برجسته‌سازی (نقطه گذاری) گفتارها و رویدادها می‌پردازد.

۵- استراتژی‌های تشدید و تخفیف^۷: این استراتژی‌ها در تلاش‌اند تا نیروهای غیرکلامی مؤثر گفتارها را افزایش یا کاهش دهند و این کار، معمولاً با معرفی ساختارهای معرفت‌شناختی متون انجام می‌شود. بر این اساس، مهم‌ترین رویه‌های مورد استفاده در این مقاله عبارتند از: ترسیم شرایط زمینه‌ای در فاصله سال‌های قبل و بعد از انقلاب اسلامی؛ معرفی گفتمان انقلاب اسلامی که متن (گفتار یا نوشتار) امام خمینی (ره) به آن تعلق دارد؛ عملیاتی کردن مسأله پژوهش در مقوله‌های زبان‌شناختی؛ تعیین استراتژی‌های دیگرسازی به‌کار رفته در متن و سرانجام تحلیل و تفسیر متن درون شبکه‌ای از متون در پیوند با مختصات تاریخی زمینه. متون مورد تحلیل از میان پیام‌ها، سخنرانی‌ها و اعلامیه‌های حضرت امام (ره) در فاصله زمانی طرح لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی در سال ۱۳۴۱ تا هنگام رحلت ایشان در خرداد ۱۳۶۸ که به موضوع زن و بایدها و نبایدهای وی در عرصه حیات اجتماعی و سیاسی می‌پردازد، انتخاب شده است.

تصویری از اطلاعات تاریخی پس زمینه

حیات فردی و اجتماعی جامعه ایران تا پیش از آشنایی جدی با تمدن مدرن غربی، براساس قواعد سنتی سامان می‌یافت که به عنوان ذخیره دانش متراکم نیاکان (فیرحی، ۱۳۷۸: ۳۸) به شکل آداب، رسوم و اغلب در آمیخته با باورهای مذهبی استمرار یافته و اموری محترم، مقدس و باثبات محسوب می‌شد (گولد و کولب، ۱۳۷۶: ۵۲۰) و به عنوان گفتمان مسلط، مبنای تعلیم و تربیت عمومی، روابط اجتماعی و ضمانت سلامت جامعه به حساب می‌آمد و در همه حوزه‌های زندگی فردی و اجتماعی بازتولید می‌شد.

محتوای گفتمان سنتی درباره زنان در سه محور اصلی قابل دسته‌بندی است:

۱- زن و وضعیت طبیعی: مباحث مربوط به زنان در حوزه تفکر سنتی حول یک ایده کلی سامان می‌یابد که عبارت است از توجه به وضعیت ساختمان طبیعی (فیزیولوژی) زن در مقابل مرد، به عبارت بهتر تقدم هویت جنسی بر هویت انسانی. در گفتمان سنتی، تفاوت‌های موجود میان وضعیت طبیعی زن و مرد ارتباط مستقیمی با تعیین حقوق و تکالیف هر یک از آنها دارد. چرا که «هیچ منطقی را در این رابطه قوی‌تر از

⁶. Strategies of Perspectivation

⁷. Strategies of Intensification and Mitigation

منطق فطرت نمی‌داند» (مصباح،^۸ ۸) و بنابراین منطق مرد به لحاظ تفکر، تعقل و قدرت جسمانی برتر و زن به واسطه عواطف، ظرافت و زیبایی والاتر است (رازانی، ۱۳۵۰: ۳۵).

۲- زن و خانواده: در گفتمان سنتی ویژگی‌ها و تفاوت‌های جسمانی، روانی و ذهنی زن و مرد، محوری‌ترین مبنای تقسیم کار در خانواده است. بر اساس آن سرپرستی و فرماندهی خانواده بر عهده مرد و تسلیم و فرمانبری وظیفه اصلی زن محسوب می‌شود. در توجیه این دیدگاه از روایات منتسب به پیامبر اکرم (ص) و ائمه معصومین (ع) استفاده می‌شود که از میان آن‌ها می‌توان به چند نمونه اشاره کرد: «مردی که اداره امور کلی خود را به زنان بسپارد هرگز سعادت‌مند نخواهد شد» (بابازاده، ۱۳۷۵: ۲۹۷ به نقل از کنز المعالی: ۱۲۳) و یا «مردم به هیچ صورت از زن اطاعت نکنید، هیچ مال به دست او ندهید، تدبیر امور زندگی را به وی وا مگذارید، ...» (انصاریان، ۱۳۷۵: ۳۷۴). بر این اساس در گفتمان سنتی، زن در نظام خانواده، از جایگاه تصمیم‌گیری به دور بوده و عمدتاً وظیفه اطاعت و پیروی از همسر و تأمین نیازهای او را بر عهده دارد.

۳- زن و اجتماع: وضعیت زن در حوزه اجتماعی نیز عمدتاً با تقسیم کار مبتنی بر تفاوت‌های جنسی زن و مرد منطبق است چرا که از یک‌سو زن را مناسب برای انجام امور خانه‌داری و تربیت فرزند معرفی می‌کند و از سوی دیگر به واسطه امکان رواج فساد در اجتماع (به دلیل ویژگی تحریک‌کنندگی زن و تحریک‌پذیری مرد) بر عدم حضور اجتماعی زن تأکید می‌شود. احادیثی نیز وجود دارد که با تکیه بر تفاوت‌های طبیعی زن و مرد، صراحتاً زن را از اشتغال در اموری چون امارت و حکومت بر مردم، قضاوت و داوری، دفاع ابتدائی و تهاجمی، اجتهاد برای دیگران و شرکت در شورا منع کرده و عملاً زن را از حوزه مدیریت و تصمیم‌گیری اجتماع کنار می‌گذارد ... (بابازاده، همان: ۳۶۴-۳۶۳ به نقل از وسائل الشیعه: ج ۱۴، ص ۱۳۱).

یکپارچگی و انسجام بنیادین نظم معنایی این گفتمان تحت تأثیر تولید و انتشار گفتار ناسازگار با اندیشه و تجربه زیسته زن و مرد ایرانی که به دنبال طرح ضرورت‌هایی چون قانون، پارلمان، آزادی، برابری و... مبتنی بر تفکر مدرن در عصر مشروطه بوجود آمد، به تدریج به چالش کشیده شد. از این رو انقلاب مشروطه، به عنوان نقطه عطفی در تحولات عینی و ذهنی، در تاریخ ایران افقی تازه پیش روی مدلول زنانه/ مردانه گشود؛ هرچند که مواد ۱۰ و ۱۳ قانون اساسی مشروطه، با قرار دادن زنان در رده صغار و مجانبین، آن‌ها را از حق انتخاب کردن و انتخاب شدن محروم ساخت (کار، ۱۳۷۹: ۱۰).

^۸ سال انتشار این اثر مشخص نیست اما بنا به توضیحی که در مقدمه آن آمده نشر آن به دوران قبل از انقلاب بر می‌گردد.

زنان فراتر از نقش‌های سنتی: بررسی جایگاه زن در کلام امام خمینی (ره) ۱۱

اقدامات انجام شده در عصر پهلوی اول و دوم را نیز می‌توان حول سه محور کلی تفکیک نمود: ۱- تشویق به حضور هر چه بیشتر زنان بی‌حجاب در اجتماع، به عنوان مشخصه مدرن شدن کشور؛ ۲- ایجاد امکاناتی برای تسهیل دسترسی زنان به آموزش جدید با هدف بهبود چشم‌اندازهای تربیتی نسل آینده (آبراهمیان، ۱۳۷۷: ۱۸۰) و ۳- حفظ وضعیت مردسالاری در خانواده و اجتماع (ساناساریان، ۱۳۸۴: ۹۶) که با دو محور قبلی تناقض داشت (پایدار، ۱۹۹۵: ۱۰۴). این اقدامات خود مقدمه‌ای برای قرار گرفتن زن ایرانی در موقعیتی برزخی بود چرا که فرهنگ مردسالار جامعه نه تنها مانعی برای تحقق وضعیت آرمانی زنان محسوب نمی‌شد بلکه چه از نظر رضا شاه (کسروی، ۱۳۵۲: ۱۶) و چه از نظر محمدرضا شاه (فالاچی، ۱۳۵۷: ۱۰) کمال دختر ایرانی در نهایت، در انجام وظایف عرصه خصوصی خلاصه می‌شود؛ یعنی همان چیزی که ذهنیت سنتی جامعه ایران بر آن پا می‌فشرد.

در مجموع محتوای گفتمان مدرن را نیز می‌توان در سه محور اصلی خلاصه کرد:

۱- وضعیت طبیعی زن: افرادی مانند آخوندزاده، ملکم‌خان، میرزا آقاخان کرمانی، کاشانی و موید الاسلام و ... (آدمیت، ۱۳۴۹: ۵) و زنانی که متأثر از آموزه‌های لیبرال فمینیستی فعالیت اجتماعی را تجربه می‌کردند، همگی در بررسی‌های خود درباره زنان، علت وضعیت نابرابر آنان در جامعه را نه ویژگی‌های طبیعی بلکه ساختار مردسالار جامعه می‌دانستند.

۲- زن در خانواده: وضعیت نابرابر زنان در خانواده ایرانی از همان ابتدای آشنایی با اندیشه‌های مدرنیته توجه روشنفکران را به خود جلب کرد. آزادی زنان اروپایی و ویژگی‌های حیات فردی اجتماعی تأثیر عمده‌ای بر جریان روشنفکری ایرانی گذاشت و ویژگی‌های زندگی خانوادگی در مواردی چون ازدواج‌های اجباری و از پیش تعیین شده، تعدد زوجات، ناسازگاری میان همسران و... در چارچوب نقد سراسری جامعه مورد بررسی قرار گرفت. علی‌رغم این نگاه انتقادی میان روشنفکران و رسوخ آن در بخشی از جامعه زنان، تدوین و تنظیم همه قوانین اجتماعی براساس تفکر سکولار، قوانین حوزه خانواده و زنان همچنان براساس نگرش‌های سنتی تنظیم می‌شد (پایدار، ۱۹۹۵: ۱۱۱-۱۰۹).

۳- حضور زن در اجتماع: به نظر می‌رسد عمده‌ترین تأکید گفتمان مدرنیزاسیون تسهیل حضور اجتماعی زنان به عنوان عاملان توسعه و ترقی کشور باشد و مشهورترین و نمادین‌ترین اقدام رضا شاه برای وارد کردن زنان در عرصه اجتماع قانون کشف حجابی بود که به صورت اجباری در کشور به اجرا در آمد. وی طی نطقی هدف خود را ایجاد زمینه مناسب برای پیشرفت زنان در راستای ترقی کشور اعلام می‌کند و نوید می‌دهد

تا زنان از فرصت پیش آمده برای تربیت نسل فردا و ساختن ایران استفاده کنند (اطلاعات بانوان، ۱۳۴۱/۱۰/۱۴: ۴-۵). همین مضمون در کلام محمدرضا شاه نیز تداوم می‌یابد: «به نظر من زن ایرانی می‌تواند با نگاه‌داشتن جنبهٔ نسوانیت، خویشتن را به آن مقام برساند که در سربلندی و پیشرفت جامعه متری می‌تواند با نگاه‌داشتن جنبهٔ نسوانیت، خویشتن را به آن مقام برساند که در سربلندی و پیشرفت جامعه متری ایران کنونی مصدر خدمات و مسئولیت‌هایی باشد که همه جا مایهٔ سرافرازی و افتخار اوست (پهلوی: انقلاب سفید ۱۳۴۵). از این رو، اولین اقدام رضا شاه به منظور فراهم کردن امکانات حضور زنان در اجتماع توجه به مسئله آموزش آن‌ها بود (فوران، ۱۳۷۷: ۳۵۹) که به نوبه خود زمینه‌ساز گسترش سطح تحصیلات زنان و اشتغال آن‌ها در سطوح مختلف حرفه‌ای از جمله قضاوت و نمایندگی مجلس شد.»

جایی که موضع‌گیری گفتمان مدرنیزاسیون در مواجهه با غرب و فرآورده‌های تمدنی، روشنفکران خارج از ساخت قدرت سیاسی را از نخبگان سیاسی حاکم برحسب پایداری بر بعد ایجابی یا سلبی مدرنیته از یکدیگر متمایز و گاه معارض یکدیگر می‌ساخت، روحانیت و در رأس آن نهاد مرجعیت به واسطه جایگاه خود در جامعهٔ دین‌داران مهم‌ترین گروهی بود که در معارضه با اقدام حکومت در تقلید از غرب و نادیده گرفتن احکام شرعی، سعی می‌کرد در کلام خود، سوژهٔ زنانهٔ برساخته شده در گفتمان پهلوی را از معنای کارگزار ترقی و پیشرفت تهی سازد و از فراز آزادی و برابری دمکراتیک به سمبل فساد و فحشای حکومت فرو اندازد.

از سوی دیگر، همزمان با مواجههٔ جوامع مسلمان با تمدن غرب و ناتوانی گفتمان سنتی در مقابله با آن، مرحله‌ای خاص از فرایند تحول و تطور بازانديشي دینی پدیدار شده و در جریان شدت گرفتن منازعه دو گفتمان سنتی و مدرنیزاسیون، صورت‌بندی گفتمانی جدیدی با اتکا به داشته‌های خود، معیارها و موازین مذهبی، گزینشی هدفمند و آگاهانه از میان فرآورده‌های تمدنی غرب را سامان می‌داد. ضمن آنکه به واسطه انتقاد از نگاه تعبدی و غیر نقاد به سنت و دین در مقابل گفتمان سنتی نیز قرار می‌گرفت. این گفتمان، در بازگشت به خویشتن به سنت به عنوان عامل هویت‌بخش با رویکردی انتقادی می‌نگریست و برای یافتن پاسخ سؤال‌های روز افزون متناسب با شرایط و اقتضات جدید جامعه اسلامی به منابع دینی مراجعه می‌کرد. بحران‌های مالی و سیاسی اواخر دهه ۱۳۳۰ اعتراض‌ها و اعتصاب‌هایی را از سوی کارگران کارخانه‌ها، صنایع و کارمندان دولت به ویژه معلمان سبب شد (نجاتی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۱۴۱)، از یک طرف حکومت را در معرض فشار قرار می‌داد و از طرف دیگر به مخالفان آن جان تازه‌ای می‌بخشید. وقوع کودتای نظامی علیه دیکتاتوری در ترکیه و فروپاشی نظام سلطنتی عراق نیز به نوبه خود نگرانی شاه و متحدان خارجی وی را از

زنان فراتر از نقش‌های سنتی: بررسی جایگاه زن در کلام امام خمینی (ره) ۱۳

بحران داخلی تشدید می‌کرد. در چنین شرایطی بود که فشار کندی، رییس جمهور دمکرات آمریکا، شاه را به انجام اصلاحاتی متقاعد ساخت. نخستین گام در انجام اصلاحات مذکور، تصویب لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی بود که مطابق آن به زنان حق شرکت در انتخابات داده می‌شد.

امام خمینی (ره) که پس از فوت آیت‌الله بروجردی مسئولیت حوزه علمیه قم را بر عهده گرفته بود، پس از ارسال نامه اعتراضی به شخص شاه در ۱۷ مهر ماه در تلگرافی به اعلم در ۲۸ مهر ۱۳۴۱ به ماهیت غیراسلامی و غیرقانونی لایحه مذکور تأکید کرده و خواستار لغو فوری آن شد. ایشان در مقابل تعلل دولت، سایر علما را به نوشتن نامه‌های اعتراض‌آمیز و هوشیار نمودن مردم نسبت به مغایرت آن با احکام اسلام تشویق نمود و از این رهگذر شروع دوران تازه‌ای از رابطه نهاد روحانیت با حکومت را اعلام داشت که تناسبی با سیاست سکوت و دمسازی دهه سی نداشت.

مدلول جنسیتی در گفتار امام خمینی (ره)

گفتار امام خمینی که از ابتدای دهه چهل به تدریج به یگانه رهبر ائتلاف انقلابی علیه حکومت پهلوی تبدیل شد و پس از پیروزی انقلاب اسلامی و استقرار نظام جمهوری اسلامی، به عنوان مهم‌ترین الیت سیاسی و سمبلیک در رأس هرم قدرت سیاسی و مذهبی جامعه و برخوردار از بالاترین میزان مشروعیت، اقتدار، نفوذ سیاسی و کنترل بر منابع مادی و معنوی در عرصه عمومی و توانایی بسیج آن‌ها شناخته می‌شود، سهمی به‌سزا در تعیین سرنوشت سوژه جنسیتی بر ساخته در آستانه انقلاب اسلامی و دوران پس از آن ایفا نمود؛ سوژه‌ای که نه با مواضع مرسوم فقهای سنتی شباهت چندانی داشت و نه با مواضع مدرنیستی حکومت سابق.

این امر به هنگام اقامت در پاریس در پاسخ‌های ایشان در مقابل پرسش‌های متعدد خبرنگاران داخلی و خارجی درباره جایگاه زن در نظام اسلامی آینده و پس از پیروزی انقلاب اسلامی در دیدارها، سخنرانی‌ها و پیام‌های ایشان خطاب به زنان به خوبی مورد تأیید قرار می‌گیرد. با مطالعه ۴۹۲ متن سخنرانی، مصاحبه و پیام ایشان، می‌توان عمده‌ترین محورهای معنایی آن‌ها را با محوریت مضامینی چون آزادی، فعالیت سیاسی و اجتماعی، مجاهدت انسانی، ایثار و فداکاری، تعهد، عفت، تحول روحانی، وحدت کلمه، هوشیاری و شهادت‌طلبی زنان مشخص نمود. به منظور سهولت تحلیل و تفسیر این مقولات، گفتار مزبور را در دو مقطع زمانی قبل و بعد از انقلاب اسلامی بررسی می‌کنیم.

دوران قبل از انقلاب

امام خمینی (ره) از ابتدای دهه ۱۳۴۰ و آغاز برنامه‌های اصلاحی حکومت، بر نگرش خاص و محدود رژیم نسبت به فعالیت‌های اجتماعی زنان انگشت نهاد و مخالفت خود را با اقدامات رژیم در این زمینه به کرات اعلام داشته و آن را نه خدمت به زنان، بلکه در راستای فلج شدن امور معرفی می‌نماید. بر همین اساس ایشان طی اظهاراتی خطاب به وعاظ و گویندگان مذهبی چنین می‌گویند: «از دخالت زن‌ها در اجتماع که مستلزم مفاسد بی‌شمار است ابراز انزجار کرده و دین خدا را یاری کنید و بدانید ان تنصروالله ینصرکم و یثبت اقدامکم.» (صحیفه امام، ج ۱: ۵۲)

ایشان پیشنهاد ورود بانوان به عرصه انتخابات مجلس‌های ایالتی و ولایتی را بیشتر بهانه برای تحت‌الشعاع قرار دادن معارضة رژیم با اسلام و قرآن دانسته و چنین اظهار می‌کنند: «دیدیم از وقتی که این دولت بی‌سواد و بی‌حیثیت روی کار آمد، از اول هدف را اسلام قرار داد. در روزنامه‌ها با قلم درشت نوشت که بانوان را حق دخالت در انتخابات داده‌اند، لکن شیطنت بود، برای انعکاس نظر عامه مردم به آن موضوع بود که نظرشان به الغای اسلام و الغای قرآن، درست نیفتد و لهذا در اولی که این‌جا ما متوجه شدیم و اجتماع شد و آقایان مجتمع شدند، توجه ما هم برای علاج کار در دفعه اول منعطف شد به همان قضیه، بعد که مطالعه کردیم، دیدیم آقا قضیه، قضیه بانوان نیست، این امر کوچکی است. قضیه معارضة با اسلام است.» (به نقل از تبیان، ۱۳۷۸: ۲۷). همچنین جای دیگری اظهار می‌دارند: «مگر با چهار تا زن فرستادن به مجلس ترقی حاصل می‌شود؟ مگر مردها تا حالا بودند ترقی برای شما درست کردند تا زن‌هایتان ترقی درست کنند؟ ما می‌گوییم این‌ها را در این مراکز فرستادن جز فساد چیزی نیست. شما بعد تجربه کنید. ببینید بعد از ده سال، بیست سال، سی سال دیگر این‌ها را بفرستید. به خیال خودتان ببینید اگر شما جز فساد چیز دیگری دیدید. ما با ترقی زنان مخالف نیستیم. با این فحشا مخالفیم. با این کارهای غلط مخالفیم.» (همان: ۲۸). امام با طرح این سؤال که مگر مردها آزادند که زن‌ها می‌خواهند آزاد باشند، به ذکر این نکته می‌پردازد که آزادی افراد اعم از مردان و زنان در حیطة الفاظ و کلمات نیست، بلکه این امر مستلزم حرکت از حیطة حرف به حیطة عمل است. ایشان با درک دقیق علت تأکید رژیم بر حضور طیفی از زنان در برخی از مشاغل، فساد و فحشا حاصله را غیر قابل توجیه و نافی ترقی زنان عنوان می‌کند. امام در بیانات خود (همان: ۴۲) به این نکته اشاره می‌کند که اسلام مراعات بانوان را در تمام جهات بیش از هر کس نموده و با احترام به حیثیت اجتماعی و اخلاقی آن‌ها مانع از اختلاطی می‌شود که مخالف عفت و تقوای زن است، نه آنکه آنان را در ردیف

زنان فراتر از نقش‌های سنتی: بررسی جایگاه زن در کلام امام خمینی (ره) ۱۵

محمجورین و محکومین قرار دهد. در این دوران به رغم آنکه زنان از برخی حقوق همچون حق انتخاب شدن و حق انتخاب کردن و مشارکت در برخی سطوح اجتماعی بهره‌مند شدند، اما فضای فاسد و ناامن موجود، تمایل بسیاری از زنان و خانواده‌های آنان را نسبت به حضور و فعالیت اجتماعی کم‌رنگ نمود و این امر متوجه برخی لایه‌های محدود اجتماعی در میان زنان شد. به بیان دیگر فعالیت زنان در لایه‌های پایین‌تر به فعالیت‌های خدماتی و جنبه‌های صوری محدود می‌شد و مشارکت سیاسی و اجتماعی به طیف محدودی از زنان در میان بستگان و اقارب دربار که در سطوح عالی فعالیت می‌کردند محدود بود نه توده زنان.

امام با طرح مسئلهٔ مظلوم بودن زنان در دو دوره- یعنی عصر جاهلیت و عصر پهلوی- به مقایسه ضمنی این دو دوره پرداخته و چنین یادآور می‌شوند: «مع‌الوصف زن در دو مرحله مظلوم بوده است: یکی در جاهلیت که اسلام زن را از آن مظلومیتی که در جاهلیت داشت، بیرون کشید. مرحله جاهلیت مرحله‌ای بود که زنان را مثل حیوان بلکه پائین‌تر از او می‌دانستند، زن در جاهلیت مظلوم بود. اسلام زن را از آن لجن‌زار جاهلیت بیرون کشید. در این موقع دیگر در ایران ما زن مظلوم شد و آن دوره شاه سابق و شاه لاحق بود. به اسم این که زن را می‌خواهند آزاد کنند به زن ظلم‌ها کردند. زن را از آن مقام شرافت و عزتی که داشت پائین کشیدند، زن را از آن معنویتی که داشت، شیئی کردند به اسم آزادی، آزاد زنان و آزاد مردان، آزادی را از زن و مرد سلب کردند... از مقام انسانیت زن را به مرتبه یک حیوان فرو کشیدند. به اسم این که برای زن مقام درست کنند زن را از مقام خود پائین آوردند. زن را مثل یک عروسک درست کردند (همان: ۲۵۸).

ایشان در بخشی دیگر از بیانات خود اضافه می‌کنند: «زن مساوی مرد است. زن مانند مرد می‌تواند سرنوشت و مسئولیت‌های خود را انتخاب کند. اما رژیم شاه است که با غرق کردن آن‌ها در امور خلاف اخلاق می‌کوشد مانع آزادی زنان باشد و اسلام معترض به این امر است» (صحیفهٔ نور، ۱۳۵۷: ج ۲، ۲۳). اظهارات فوق به خوبی نشان می‌دهد که از نگاه امام، اسلام نه با آزادی که با مفهوم «زن شیئی شده» در جهت اهداف و مطامع دیگران مخالف است و حق انتخاب، فعالیت زنان و حاکم بودن آن‌ها بر سرنوشت خودشان را در فضایی سالم و اخلاقی ضروری می‌داند.

امام اگرچه به دلیل وضعیت حاکم و سیاست‌هایی که طی دوران گذشته توسط رژیم شاه اعمال می‌شد، نسبت به حضور زنان در فعالیت‌های اجتماعی ابراز تردید و نگرانی می‌کردند اما در شرایط خاص ایجاد شده در سایه نظام اسلامی، خود مشوق ورود زنان به اجتماع و به دست گرفتن مقدرات خود می‌شوند و تأکید می‌کنند که «در نظام اسلامی زن همان حقوقی را دارد که مرد دارد، حق تحصیل، حق کار، حق مالکیت،

حق رأی دادن، حق رأی گرفتن، در تمامی جهاتی که مرد حق دارد، زن هم حق دارد» و «تفاوت‌هایی که بین زن و مرد وجود دارد، به حیثیت انسانی آن‌ها ارتباط ندارد» (به نقل از تبیان، ۱۳۷۸: ۶۲). همچنین در جای دیگری اضافه می‌کنند که «از نظر اسلام زنان نقشی حساس در بنای جامعه اسلامی دارند و اسلام زن را تا حدی ارتقا می‌دهد که بتواند مقام انسانی خود را در جامعه باز یابد و متناسب با چنین رشدی، زن می‌تواند در ساختمان حکومت اسلامی مسئولیت‌هایی به عهده بگیرد» (مضمون بیانات امام در جایگاه زن از دیدگاه امام خمینی: ص ۶۵-۶۶).

به طور کلی در این مقطع زمانی، امام خمینی (ره) در گفتار خود به شالوده شکنی گفتمان پیشرفت و ترقی شاه پرداختند. به عبارت دیگر اگر شاه آزادی و برابری حقوقی و اجتماعی زن را، در کنار دیگر مفاد برنامه اصلاحات آمرانه و فرمایشی خود، وسیله‌ای برای بسیج زنان در برابر مخالفان سیاسی و مذهبی‌اش قرار داد؛ اپوزسیون مذهبی نیز از همین سنگر بر وی تاخت و اعطای حق رأی به زنان را با مسائلی چون فقر و فساد اقتصادی، اختناق و استبداد سیاسی، وابستگی خارجی و سوء نیت بیگانگان پیوند زد و در پرتو این شبکه معنایی، زنان و مردان مسلمان را برای دفاع از اسلام علیه شاه بسیج نمود.

در واقع آنچه در سرمایه کلامی امام (ره) برای زنان نمود می‌یابد برجستگی هویت انسانی زن و مرد و ضرورت رعایت شئون اسلامی به منظور ایفای نقشی فعال در سرنوشت اجتماعی خود و جامعه اسلامی در کنار مردان است، براساس همین نگرش زنان نیز در لبیک‌گویی به ایشان در اواخر دوره حکومت پهلوی به یکباره با حضور گسترده در صحنه تظاهرات و فعالیت‌های اجتماعی دیگر سقوط رژیم پهلوی را رقم زدند و این در حالی است که مشارکت آن دسته از زنان که در طی دوره‌های گذشته محیط را مناسب حضور اجتماعی نمی‌یافتند، بیش از پیش جلب توجه می‌نماید. به عبارتی دیگر از این زمان به بعد امنیت خاطری که در سایه نظام اسلامی ایجاد شد موجب حضور و مشارکت زنان از صنوف، طبقات و سنین مختلف شد.

دوران پس از انقلاب اسلامی

در نخستین ماه‌های پیروزی انقلاب اسلامی، امام قاطعانه اعلام می‌کند «اسلام زن را مثل مرد در همه شئون دخالت می‌دهد. این خرابه‌ای که برای ما گذاشته‌اند، باید به دست همه ملت ایران، چه مردان و چه زنان ساخته شود و در این برهه جدید زنان باید در سیاست اساسی مملکت دخالت کنند و هر موقع که اقتضا کند نهضت و قیام کنند (به نقل از تبیان: ۱۳۷۸، ۲۷) و یا در فراز دیگر اظهار می‌دارند: «زنان حق رأی دارند،

زنان فراتر از نقش‌های سنتی: بررسی جایگاه زن در کلام امام خمینی (ره) ۱۷

این مسائلی که ما برای زنان قائل هستیم از غرب بالاتر است، حق رأی دادن دارند، حق انتخاب دارند، حق انتخاب شدن دارند.» (همان)

از نگاه امام (ره) بزرگ‌ترین دستاورد انقلاب تحول حاصل شده در بانوان ایران بود و این تحول بیش از تحولی است که در مردان حاصل شد (همان: ۱۶۵) همچنان که ایشان در جای دیگر اضافه می‌کند که «اگر نهضت و انقلاب اسلامی هیچ نداشت به غیر از این تحولی که در بانوان و در جوانان ما پیدا شد، این یک امری بود که کافی بود برای کشور ما.» (همان)

امام در فرازی دیگر از بیانات خود اشاره می‌کند «آنقدری که این جامعه محترم [زنان] به اسلام خدمت کردند در این زمان، بیشتر از مقداری است که مردها خدمت کردند.» (همان: ۶۴)

امام خمینی (ره) با طرح این مسئله که اسلام یک دین سیاسی است و در نتیجه دخالت روحانیون در امور سیاسی امری ضروری است به اهمیت دخالت زنان همچون روحانیون در امر سیاسی و تکلیف آن‌ها در این خصوص اشاره می‌کند. امام در این زمینه می‌فرماید: «خانم‌ها حق دارند در سیاست دخالت کنند. تکلیف‌شان این است. روحانیون هم حق دارند در سیاست دخالت کنند. تکلیف آن‌ها است. دین اسلام یک دین سیاسی است و همه چیزش سیاست است، حتی عبادتش.» (همان: ۶۵)

این بیانات در حالی ایراد می‌گردد که نوعاً عرصه سیاست عرصه‌ای مردانه تلقی می‌گردید و از سوی دیگر شبهاتی مبنی بر جدایی دین از سیاست طی سال‌ها القا می‌شد و امام با طرح این دو نکته مفهوم سیاست را با دو مفهوم دیگر «زنان» و «اسلام» پیوندی بنیادی می‌زند.

امام با بزرگداشت زنان به عنوان طیفی که در کنار مردان بلکه جلوتر از آنان در پیروزی انقلاب اسلامی نقش اساسی داشتند، توجه زنان را به این نکته جلب می‌کنند که آن‌ها می‌بایست با شرکت فعالانه خود پیروزی و سربلندی ملت ایران را هر چه بیشتر تضمین کنند. چرا که شرکت در این امر برای مرد و زن از وظایف ملی و اسلامی است (همان).

آنچه در بیانات ایشان بیش از هر چیز به چشم می‌آید، ضرورت حضور و فعالیت اجتماعی زنان در دوران استقرار و تثبیت نظام جمهوری اسلامی است؛ امری که در دوران حکومت پهلوی به علت فضای ناامن اجتماعی بارها مخالفت خود را با آن اعلام کرده بودند؛ به بیان ایشان «البته شغل برای زن، شغل صحیح برای زن مانعی ندارد، لکن نه آن طوری که رژیم پهلوی می‌خواستند. آن‌ها نظرشان این نبود که زن اشتغالی

پیدا بکند. نظرشان بر این بود که زنان را مثل مردها، هم زنان و هم مردها را از آن مقامی که دارند منحط کنند. نگذارند یک رشد طبیعی برای زن پیدا شود.» (همان: ۷۰)

امام با اصل قرار دادن حفظ عفت در انجام وظایف اجتماعی بر این اعتقاد بودند که امروز باید خانمها، وظایف اجتماعی و وظایف دینی خودشان را عمل کنند و عفت عمومی را حفظ کنند و روی آن عفت عمومی کارهای سیاسی و اجتماعی انجام دهند (همان: ۷۱).

طرح موضوع عفت عمومی و حفظ آن شرط اساسی است که مفهوم مشارکت اجتماعی را در گفتار امام خمینی به عنوان مهم‌ترین تدوین‌گر گفتمان انقلاب اسلامی از مفهوم همین واژه در گفتمان مدرنیزاسیون متمایز می‌کند و در عمل نیز چنین مفهومی از مشارکت اجتماعی زنان پس از انقلاب مشروط به حفظ حجاب و شئونات مذهبی در اشکال متنوع خود شد. وی نقش و اهمیت زنان را در پیروزی انقلاب که یک مشارکت سیاسی است فراتر از مردان دانسته و در سخنانی بر نقش مضاعف زنان در انقلاب و پیشبرد نظام اسلامی چنین تأکید می‌کند: حتی زنان در انقلاب پیشرو مردان هستند، زنان در صف اول واقع هستند برای اینکه مردها هم از آن‌ها شجاع شدند، از مجاهدات آن‌ها تشجیع شدند. شماها به اسلام خدمت کردید و بعد از این انشالله خدمت می‌کنید. شما شیرمردان و شیرزنان در ایران تربیت می‌کنید. دامن شما دامن عصمت، عفت و عظمت است (صحیفه امام، ج ۶: ۵۰۱). چه افتخاری بالاتر از این که زنان بزرگوار ما در مقابل رژیم ستمکار سابق و پس از سرکوبی آن، در مقابل ابر قدرت‌ها و وابستگان آنان در صف اول ایستادگی و مقاومت از خود نشان داده‌اند، در هیچ عصری چنین مقاومتی و چنین شجاعتی از مردان ثبت نشده است (همان، ج ۱۶: ۱۹۴).

در کنار همه این نقش‌ها و وظائف، نقش و جایگاه مهم دیگری در کلام رهبری انقلاب و نظام سیاسی برآمده از آن برای زنان ترسیم می‌شود که آن انسان‌سازی و تربیت افراد جامعه است. «نقش زن در جامعه بالاتر از نقش مرد است؛ برای اینکه بانوان علاوه بر خود که یک قشر فعال در همه ابعاد هستند، قشرهای فعال را در دامن خود تربیت می‌کنند. خدمت مادر به جامعه از خدمت معلم بالاتر است، از خدمت همه کس بالاتر است؛ این امری است که انبیا می‌خواستند» (همان، ج ۱۴: ۱۹۷).

شاید بتوان محوری‌ترین نقش‌ها و ویژگی‌هایی را که در پرتو کلام امام خمینی (ره) در حکومت اسلامی به زن منسوب می‌شود در نخستین سخنرانی که ایشان در حضور زنان قم در ۱۳ اسفند ۱۳۵۷ ایراد فرمودند، ملاحظه نمود. ایشان در این باره فرمودند: «خداوند شما را با کرامت خلق کرده است، آزاد خلق کرده است.

زنان فراتر از نقش‌های سنتی: بررسی جایگاه زن در کلام امام خمینی (ره) ۱۹

خداوند همان طوری که قوانینی برای محدودیت مردها در حدود اینکه فساد بر آن‌ها راه نیابد دارد، در زن‌ها هم دارد. همه برای صلاح شماسست. همه قوانین اسلامی برای صلاح جامعه است. آن‌ها که می‌خواهند زن‌ها را ملعبه مردان و جوان‌های فاسد قرار بدهند خیانت‌کارند. زن‌ها نباید گول بخورند؛ زن‌ها گمان نکنند که این مقام زن است که باید بزک کرده، با سر باز و لخت بیرون برود این مقام زن نیست؛ این عروسک بازی است نه زن. زن باید شجاع باشد؛ زن باید در مقدرات اساسی مملکت دخالت بکند. زن آدم‌ساز است؛ زن مربی انسان است» (صحیفه امام، ج ۶، ص: ۲۹۹).

در واقع محورهای مغناطش قلمرو بودن و عملکرد زنان در این دست سخنرانی‌های امام است که هم استمرار نظام دانیایی انقلابی پیش از استقرار نظام جمهوری اسلامی را حکایت می‌کند و هم وسعت یافتن آن را هنگام تثبیت نظام سیاسی جدید و به طور همزمان، استراتژی تقویت و تشدید معنا و هویت اسلامی - خودی - و تضعیف و تخفیف استدلال‌های غیر اسلامی - دیگری را نشان می‌دهد. جایی که با لحنی آرام به مقدمه‌چینی برای پند و اندرز زنان همت می‌گمارد و به این منظور ابتدا از آزادی و کرامتی سخن می‌گوید که خدا به همه بندگان هدیه کرده و از قوانینی که از حیث محدودیت صرفاً منحصر به زنان نبوده بلکه زنان و مردان را برابر شامل می‌شود؛ قوانینی که نه از سوی شخص یا گروهی خاص بلکه از سوی خداوند برای صلاح جامعه وضع شده و از این‌رو نباید در حقانیت و کارایی آن تردیدی داشت؛ سپس با اشاره به سوء نیت افرادی که عامدانه قصد ملعبه کردن زن‌ها را داشته و دارند، به زنان هشدار می‌دهد تا در برابر وسوسه‌های آن‌هایی که به حجاب و قوانین اسلامی خرده می‌گیرند آگاه بوده و در مقام تأکید زنانگی بر ساخته مبتنی بر نمایش زیبایی و برهنگی جسم زن را به مثابه عروسک بودگی یعنی فقدان آگاهی، اراده و جسارتی درخور برای شناخت، کرامت و آزادی حقیقی خود و نه گفتن به فریبکاری خیانت‌کارانی که قصد سوء نسبت به او دارند معرفی کرده و در مقابل زنانگی مورد نظر اسلام مبتنی بر محورهای شجاعت، دخالت آگاهانه در مقدرات کشور خود، تربیت و انسان‌سازی را برجسته می‌نماید.

نتیجه

چنانچه ملاحظه شد، گفتار امام خمینی (ره) در اوج فرایند مفهوم‌سازی با بینشی انتقادی و لحنی قاطع در طرد و تقبیح نظام پیشین در خیانت به زنان و یقین به کفایت اسلام در تأمین خیر و سعادت زنان،

شالوده‌های بنیادین زنانگی مورد تأیید نظام اسلامی را بنا نهاده و از بایدها و نبایدهایی سخن می‌گوید که زنان در نظام جمهوری اسلامی می‌بایست بر آن پای فشارند. از این‌رو تأکید بر مشارکت فعال و آگاهانه زنان در تعیین سرنوشت خود و ملت خود را تا آنجا اهمیت می‌بخشد که آن‌را به عنوان یک ضرورت و تکلیف شرعی معرفی نموده و گستره این مشارکت را شامل بالاترین سطوح فعالیت سیاسی دانسته و انتخاب شدن و انتخاب کردن را حق و تکلیف همه تعریف می‌کند؛ تکلیفی که فارغ از مرزبندی‌های جنسیتی برای زن و مرد یکسان شناخته می‌شود.

در واقع گفتار مذکور بر فراز آذهان متعجبی که همچنان در حیرت حکم امام - شخصیتی که در ماجرای انقلاب سفید و اعطای حق رأی به زنان از سوی شاه سابق بیشترین و قاطع‌ترین اعتراض‌ها از وی به یاد مانده بود - به تکلیف زنان برای شرکت در انتخابات انگشت بر دهان گرفته بودند، با تشریح و نقد پیوسته زنانگی مورد تبلیغ در نظام سابق نشان می‌دهد چگونه زنانگی در پرتو اراده و خیانت عوامل حکومت به لمعه یا متاع تقلیل یافته و از اراده، انرژی و نیروی سازنده و مفید خود در ساخت سرنوشت ملت خویش تهی گشته بود. آن‌جا که مشاهده می‌شود با نسبت دادن صفت جنگجو به زن، زنانگی را در سپهری جسمانیت زدوده به اوج می‌رساند که دقیقاً با نقشه آگاهانه و تعمدی شاه و همدستان وی به حسیض ننگ‌جویی ناآگاهانه زنان در قلمرو زنانگی و جسمانیت خویش سقوط می‌کند و سپس با اشاره به خواست و اراده خدا در واژگونی حکومت پهلوی و جلوگیری از تحقق اراده معطوف به اهانت نسبت به مقام واقعی زن، بار دیگر به بایدهایی بازمی‌گردد که محدوده‌های زنانگی را در نظام جدید تعیین می‌کند و در همین راستا با تأکید مجدد بر ضرورت برخورداری زنان از اراده معطوف به عمل در تغییر و بازسازی همه شئون زندگی خود همانند مردان آن‌گونه که اسلام می‌خواهد، مقدم بر بیان ضرورت اجتناب از فساد باز هم همانند مردان، زنانگی و مردانگی را در موقعیتی برابر و همسان قرار می‌دهد؛ سپس به بایدها و نبایدهایی انگشت می‌نهد که عدم رعایت آن‌ها به ماندن یا خروج زن از دایره انسانیت گره می‌خورد یعنی آرایش و جلوه‌نمایی تن زنانه در محضر مردمان فاسد یا همان انحطاطی که زن را به شیئی تقلیل می‌دهد. همچنان در کنار لحن آمرانه عباراتی چون «زن‌ها باید انسان باشند و زن‌ها باید تقوا داشته باشند» تأکیدی که به نوبه خود بیانگر ضرورت رعایت حجاب اسلامی برای حفظ شأن و کرامت انسانی و تقوای زنان است، همچنان اختیار و حق انتخاب زنان را همانند مردان متذکر می‌شوند. بنابراین می‌توان مبتنی بر استراتژی‌های پیشنهادی روث وداک در تعیین محدوده‌های گفتمانی هر موضوع از جمله جنسیت، در گفتار امام خمینی (ره) دو مجموعه واژگانی متضاد را در مقابل یکدیگر مشاهده

زنان فراتر از نقش‌های سنتی: بررسی جایگاه زن در کلام امام خمینی (ره) ۲۱

نمود. مجموعه اول شامل: پیروزی، پشتیبانی، قتال، قیام، نهضت، ملت و مملکت را حول واژه کلیدی اسلام و مجموعه دوم شامل: اسارت، خیانت، شکست، انحطاط، عقب راندن، اهانت، فساد و ویرانه حول واژه محوری بیگانه خطوط اصلی تفکیک میان خود و دیگری را به تصویر می‌کشد. همچنین عباراتی چون: همت والای بانوان، بانوان شجاع، با بجه‌های کوچک خود، تشجیع مردان، زنان انسان‌ساز، تقویت ملت‌ها، ایستادن در صف قتال، از دست دادن جوانان خود، مقاومت شجاعانه، سربلندی، سرافرازی، کرامت، آزادی، اختیار، با تقوا بودن، گول نخوردن، دخالت در مقدرات، سهیم بودن در پیروزی، بسازید مملکت را، مقام و موقعیت زن متعلق به مجموعه واژگانی اول را از زن متعلق به مجموعه واژگانی دوم متمایز می‌کند. زن در مجموعه واژگانی دوم با ویژگی‌هایی چون: ملعبه بودن، چیز بودن، شیئی شدن، عروسک بازی، بزک کردن، سر لخت بودن و ننگ‌جویی معرفی می‌شود. همچنین کاربرد مکرر ضمیر اشاره همه و واژه هم در عباراتی مانند: همدوش مردان، دوشادوش مردان، مساوی با مردان و شما چه زن چه مرد، جایگاه برابری را برای زنان و مردان ترسیم می‌کند به عبارت دیگر چنانچه تفسیر و تحلیل این گفتار نشان می‌دهد، منازعه قدرت بیشتر میان نظام اسلامی و دشمنان اسلام جریان می‌یابد تا میان زن و مرد. به هر حال در این مرور اجمالی می‌توان محورهای معنایی شاخص سرمایه کلامی امام درباره زنان را چنین برشمرد:

- (۱) سهم زنان به دلیل نقش مضاعفی که در خانواده و تشجیع مردان و نیز حضور شجاعانه خود در اجتماع در جهت پیروزی انقلاب داشتند، بیشتر و مقدم بر مردان است؛
- (۲) نظام اسلامی عنایت خاص نسبت به زنان دارد؛
- (۳) زنان با رعایت حجاب و پرهیز از آرایش و خودنمایی نزد مردم فاسد در راستای حفظ کرامت انسانی باید همانند مردان در عرصه‌های سرنوشت‌ساز مشارکت داشته باشند؛
- (۴) زنان باید نسبت به حقانیت و کفایت و کارآمدی قوانین اسلامی برای آن‌ها به عنوان مصادیق اختیار و شجاعت هوشیار باشند.

مقایسه سپهر معنایی دو جریان رقیب ابتدای دهه ۱۳۴۰ یعنی حکومت پهلوی و نهاد روحانیت به خوبی حکایت از آن دارد که به رغم برخی تلاش‌های زنان در آن هنگام، زن سوژه خاموش یا مفعول قدرت مردانه‌ای بود که گاه به نام مدرنیته غربی و گاه به نام سنت اسلامی بایدها و نبایدهای محدودی بودن وی را معین می‌ساخت بی آن که خود سهمی در این تعیین قلمرو داشته باشد. به همین ترتیب، در گیرودار منازعات سیاسی به متن آورده شده و در کانون مجادله کلامی قرار می‌گرفت و این در حالی بود که از سخن گفتن

درباره خود منع می‌گشت و به اجبار به معنایی تن می‌داد که در این منازعه برایش رقم می‌خورد؛ نمادی از جامعه مترقی، پیشرفته و آزاد که می‌بایست به عنوان نیمی از جمعیت برای تحقق هر چه سریع‌تر آن بکوشد و یا جسمانی منفعل و تقلیل یافته که از خوف فساد اخلاقی جامعه می‌بایست در پس پستوی خانه و زیر سایه مردی به پاسداری از عفتش همت گمارد.

بنابراین هر دو گفتمان سنتی و مدرنیزاسیون در مواجهه با یکدیگر استراتژی نفی و طرد دیگری را برگزیدند که نتیجه آن ناتوانی در واسازی ارتباط میان عناصر اصلی در گفتمان رقیب برای افزایش کارآمدی خود و هماهنگی با شرایط اجتماعی و فرهنگی درون زمینه تاریخی بود، حال آنکه گفتمان انقلاب اسلامی و در کانون آن امام (ره) مفاهیم آزادی و برابری را به گونه‌ای خاص و متناسب با آموزه‌های اسلامی تفسیر کرد. اگرچه گفتمان مدرنیزاسیون نیز با تأثیرپذیری از اندیشه‌های غرب و حقوق بشر سعی در دگرگونی دیدگاه منفعل نسبت به زن در جامعه داشتند اما به دلیل ناسازگاری با شرایط اجتماعی حاکم با شکست مواجه شدند و همچنان زنان در حاشیه باقی ماندند. دیدگاه امام خمینی (ره) به علت سازگاری با شرایط مخاطبان خود و ویژگی‌های منحصر به فرد گفتمان انقلاب اسلامی مورد استقبال و پذیرش قرار گرفت. ایشان به مضامینی از قبیل حق انتخاب سرنوشت خود و مملکت، نقش فعال زنان در عرصه سیاسی، شرکت در انتخابات، تعیین مقدرات مملکت، مقابله با ظلم به عنوان عناصری آگاه و آزاد، پیشگامی نهضت، تشجیع مردان در عرصه اجتماعی، سازندگی جامعه و تربیت انسان‌های شایسته اشاره می‌کند. در واقع برخلاف تندروان سنتی که نقش زن را تنها به همسری و مادری تقلیل می‌دادند، حضرت امام ضمن تأکید بر ارزش و اهمیت و کرامت چنین نقش‌هایی مشارکت سیاسی و اجتماعی زنان را نه امری حاشیه‌ای و فرعی بلکه مهم و سرنوشت‌ساز قلمداد نموده‌اند. در این نگاه زن هم عهده‌دار نقش سنتی مادری است و هم با رعایت موازین شرعی به منظور حفظ شأن و کرامت انسانی - اسلامی عهده‌دار نقش‌های مدرنی از قبیل مشارکت سیاسی و اجتماعی است.

به طور کلی، شاکله مرکزی این گفتار را می‌توان با تأکید بر رسمیت شناختن تداوم مشارکت زنان همانند مردان در عرصه‌های مختلف سیاسی و اجتماعی با رعایت کامل حجاب و دوری از بی بند و باری در راستای پشتیبانی از اسلام و حاکمیت قوانین اسلامی در مقابل دشمنان آن دانست؛ زنی که در پرتو این دست متون زاده می‌شود زنی است که چه به لحاظ عملی - سهمی که در پیروزی انقلاب ایفا کرده - و چه به لحاظ نظری - عنایتی که اسلام به زن دارد - نه در فرو دست که در کنار یا فرادست مرد می‌نشیند و نه

زنان فراتر از نقش‌های سنتی: بررسی جایگاه زن در کلام امام خمینی (ره) ۲۳

چونان ضعیفه‌ای مستحق مراقبت در پس دیوارهای خانه که سرشار از شجاعت و آگاهی به مراقبت و ساختن جامعه فراخوانده می‌شود؛ اندیشه‌ای که دریچه تازه فرا روی موقعیت زنان در جامعه می‌گشاید و وضعیت شیئی گشته زنان در دوران پیش از انقلاب را مرهون انفصال از اسلام و اتصال به غرب معرفی می‌کند. بر این اساس زن مسلمان می‌بایست به منظور ایفای نقش‌های ارزشمند مادری و همسری خود در چارچوب خانواده توأم با مشارکت فعال، آگاهانه و سرنوشت‌ساز در حیات سیاسی و اجتماعی جامعه خود بر دو محدودیت فائق آید: اول محدودیتی که به واسطه تفکر محافظه‌کارانه سنتی در قالب عرف‌ها و رسوم اجتماعی - که غالباً با دین نیز بی‌ارتباطند - زن را از حقوق واقعی‌اش محروم ساخته و دوم محدودیتی که به واسطه تفکر غربی زن را به وادی ابتذال و شیئی‌وارگی کشانده و او را از آزادی و اصلتش بی‌بهره می‌سازد.

منابع

- آبراهامیان، یرواند (۱۳۷۷) ایران بین دو انقلاب، ترجمه احمد گل محمدی و محمد ابراهیم فتاحی، تهران: نشر نی.
- آدمیت، فریدون (۱۳۴۹) اندیشه‌های میرزا فتحعلی آخوندزاده، تهران: خوارزمی.
- اطلاعات بانوان (۱۳۴۱/۱۰/۱۴) «روزی که زنجیرها گسست»، شنبه ۱۴ دی، ش ۶۴ صص ۵ و ۴.
- انصاریان، حسین (۱۳۷۵) نظام خانواده در اسلام، قم: انتشارات ام ابیها.
- بابازاده، علی اکبر (۱۳۷۵) مسائل ازدواج و حقوق خانواده، دفتر تحقیقات و انتشارات بدر.
- تبیان، دفتر ۸، بررسی نقش و جایگاه زن در اندیشه امام خمینی، تهران: مؤسسه نشر و تنظیم آثار امام، ۱۳۷۸.
- پهلوی، محمدرضا (۱۳۴۵) انقلاب سفید، تهران: انتشارات بانک شاهنشاهی.
- خمینی (ره)، روح‌الله (بی‌تا) صحیفه امام، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- رازانی، ابوتراب (بی‌تا) زن در دوران شاهنشاهی در ایران، تهران: مدرسه عالی دختران ایران.
- صادقی‌فنائی، سهیلا (۱۳۸۴) «چالش فمینیسم با مادری»، کتاب زنان، سال هفتم، شماره هشتم، صص ۴۳-۱۹.
- فالاجی، اوریانا (۱۳۵۷) مصاحبه با تاریخ‌سازان، ترجمه پیروز ملکی، تهران: امیرکبیر.
- فیرحی، داوود (۱۳۷۸) قدرت، دانش و مشروعیت در اسلام، تهران: نشر نی.
- فوران، جان (۱۳۷۸) مقاومت شکننده تاریخ تحولات اجتماعی ایران از صفویه تا سال‌های پس از انقلاب اسلامی، ترجمه احمد تدین، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
- کار، مهرانگیز (۱۳۷۹) زن، مشارکت سیاسی، موانع و امکانات، تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.
- کسروی، احمد (۱۳۵۲) خواهران و دختران ما، تهران: نشر و پخش کتاب.
- گولد، جولیس؛ ویلیام، کولب (۱۳۷۶) فرهنگ علوم اجتماعی، تهران: مازیار، صص ۵۲۰.

مرکز امور مشارکت زنان و خانواده ریاست جمهوری (۱۳۷۶) شاخص‌های اجتماعی و اقتصادی زنان در جمهوری اسلامی ایران، تهران: دفتر امور زنان ریاست جمهوری.

مصباح، محمد تقی (بی‌تا) زن نیمی از پیکر اجتماع، قم: انتشارات آزادی قم.

مطهری، مرتضی (۱۳۷۵) نظام حقوق زن در اسلام، تهران: انتشارات صدرا.

نجاتی، غلامرضا (۱۳۷۴) تاریخ بیست و پنج ساله ایران از کودتا تا انقلاب، ج ۱ و ۲، تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.

نیکخواه‌قمصری، نرگس (۱۳۸۴) تحول نگرش نسبت به زن و تأثیر آن در انقلاب اسلامی، تهران: مؤسسه چاپ و نشر عروج.

Jorgenson and Philips, L (2002) *Discourse Analysis as Theory and Method*, London: Sage publication.

Mayer, Michel (2001) "Between theory, method, and politics: positioning of the approaches to CDA" in *methods of critical Discourse Analysis* Edited By Ruth Wodak (2001), London, Sage Publication.

Paidar Parvin (1995) *Women And political process In twentieth century* Cambridge university press.

Wodak Ruth (2001a) *The Discourse- Historical Approach In Method of Critical Discourse Analysis* Edited by Ruth Wodak London (2001): Sage publication.

----- (2001b) *What CDA is about-a summary of its history important concepts and its developments in Method of Critical Discourse Analysis* Edited by Ruth Wodak London (2001): Sage publication.

----- (2008) *Discourse Studies-Important Concepts and Terms* in Wodak Ruth and

Michel Krzyzanowski (2008) *Qualitative Discourse Analysis in the Social Sciences*, London: Palgrave Macmillan.

